

شفاعت روز قیامت

(۲)



آیت الله حسین نوری

در مقاله های پیشین در رابطه با شفاعت روز قیامت که یکی از مسائل مسلم اسلامی است گفته شد که این مسأله دارای جنبه های متعددی است که لازم است هر یک از آنها مورد بحث قرار بگیرد و یکی از آنها که مورد بحث ما واقع گردیده بود موضوع شفاعت روز قیامت است و در این مورد بذکر شفاعت پیغمبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله و قرآن مجید و اهل بیت علیهم السلام و علمای راستین اسلام پرداختیم و گفتیم مسلمانانی که در عین داشتن گناه ارتباط خود را در دنیا با این مقربان درگاه حضرت حق قطع نکرده و شایستگی رحمت حق را از دست نداده اند در روز قیامت مشمول شفاعت این مقربان حضرت احدیّت میشوند و از عذاب خداوند نجات میابند اکنون در تعقیب آن بحث باید توجّه داشت که یکی دیگر از شافعان روز جزا «شاهدان راه خداوند» میباشد و لازم بذکر است که در میان مفاهیم اسلامی کلمه «شاهد» دارای قداست ویژه ای است و در فرهنگ اسلام کلمه «شاهد» را هاله ای از نور و شکوه فرا گرفته است و کسی که شاهد میگردد به یکی از عالیترین درجات انسانی که اسلام برای انسانها در نظر گرفته است نائل میگردد.

قرآن کریم شاهدان راه خدا را همیشه زنده و منتعم بنعمت های خاص خداوندی معرفی میکند و در روایات اسلامی در هر مورد که اهل بیت علیهم السلام میخواهند برای کسی عظمت مقام قائل و فضیلت و ثواب زیاد برای او ذکر کنند ثواب و فضیلت وی را معادل ثواب و فضیلت شهید قلمداد میکنند.

و فلسفه این موضوع از این نکته سرچشمه میگردد که دین اسلام رسالت آزادی انسانها را از کفر و استکبار و استضعاف پهمده گرفته و پرچم آزادی و استقلال و شرافت آنها را بدوش

می کشد و روشن است چنین آئینی بهمان اندازه که در برابر مؤمنان دعوت به انعطاف و ترخّم و همکاری و وحدت را شیوه خود قرار میدهد، دعوت به مشرّگری و جهاد با گردنگشان جبار و مستکبران را جزء برنامه خود میداند و میگوید با آنها که با تمام قدرت در برابر حق مقاومت میکنند و به منطلق حق و عدالت گوش نمیدهند باید جهاد کرد و روی همین اصل است که از دیدگاه اسلام عزّت اسلام و مسلمین در گرو جهاد در راه خداوند است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: «أَعْرَوا لَوِزُوا أَهْلَانَكُمْ قَدْجَاهُ». یعنی پیکار کنید تا در سایه جهاد مجد و بزرگواری و شرف را برای فرزندان خود بیادگار بگذارید.

حضرت امیرمؤمنان (ع) فرمودند: «والجهاد عزّا لِبِإِسْلَامٍ» یعنی خداوند «جهاد» را وسیله عزّت اسلام قرار داده است. و نیز حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند: «فَمَنْ تَزَلَّ الْجِهَادُ اثْنَةَ اللَّهِ ذُلًّا وَظَفَرًا فِي مَعْبَشَةٍ وَتَغَفَّأَ فِي دَبْنِهِ إِنَّ اللَّهَ أَهْرَأْتَنِي بِسَنَابِكِ خَيْلِهَا وَتَرَاكِبِ رِجَالِهَا».

یعنی هر ملتی که «جهاد» را ترک کند خداوند او را به ذلّت و زبونی و فقر و از دست دادن ارزشهای دینی گرفتار میکند سپس افزود

خداوند عزّت امت مرا در برق سم اسبها و ضربت نیزه ها یعنی قدرت نظامی قرار داده است. و نیز فرمود: «ما مِنْ فَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ فَطْرَةٍ دَمَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». یعنی «هیچ فطره ای در پیشگاه خداوند از فطره خونین که در راه خدا ریخته نشود محبوبتر نیست».

این مطلب نیز روشن است که جهاد بدون شهادت امکان پذیر نیست و در میان گروهی که برای انجام این وظیفه مقدس در صحنه نبرد گام میگذارند و با دشمنان حق و فضیلت درگیر میشوند تعدادی به شهادت نائل می گردند و واضح است کسی که در راه خدا به شهادت میرسد دارای عالیترین روح پاک باختگی و اخلاص است و او هر چه که داشته است در وطن اخلاص نهاده و به پیشگاه حضرت حق تقدیم داشته است خداوند نیز برای چنین افرادی احترام و تکریم خاصی از جهات متعدد قایل گردیده و از جمله اینکه آنان را یکی از شافعان روز قیامت قرار داده است که حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

- ۳ گروه در روز قیامت به شفاعت گنهارانی برمیخیزند و خداوند شفاعت آنان را میپذیرد:
- ۱- پیغمبران خدا.
 - ۲- علمای راستین اسلام.
 - ۳- شهیدان راه خدا.

اکنون در شرح این موضوع برای نمونه بذکر یک حدیث اکتفا میکنیم:

حضرت علی بن موسی الرضا از پدران خود از حضرت سجاد علیه السلام نقل میکنند که حضرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام روزی برای رزمندگان اسلام خطابه ای ایراد میکرد و آنانرا به جهاد در راه خدا تشویق مینمود در این هنگام جوانی از میان سپاه مسلمانان برخاست و گفت یا امیرالمؤمنین تقاضا

میکنم مرا از فضیلت و ارزش رزمندگان در راه خدا با خبر بفرمائید. حضرت امیرمؤمنان (ع) در پاسخ فرمودند من پشت سر رسول خدا بر شتر مخصوصی که «غصبا» نامیده میشد سوار بودم و از جنگ معروف به «ذات السلاسل» بر می گشتم در این اثنا من همین سؤال را در محضر آنحضرت مطرح کردم حضرتش در پاسخ فرمودند:

رزمندگان اسلام بمحض این که تصمیم به جهاد میگیرند خداوند نجات و رهائی آنانرا از آتش جهنم بر خود واجب میسازد و پس از اینکه خود را مجتهد و آماده جنگ مینمایند خداوند بوجود آنها بر فرشتگانش مباحث میکند و وقتی اعضای خانواده رزمندگان با آنها وداع میکنند دیوارها و خانه ها بر حال آنها وقت میکنند و با آنها در وداع هماهنگ میشوند و همانند (که حال حرکت و خروج از وطن خود بقصد جهاد است) این سلحشوران الهی درست همانطور که مار از پوستش خارج میشود از گناهان خود خارج و پاک میگردند آنگاه خداوند سبحان برای هر یک از رزمندگان چهل فرشته می گمارد تا آنها را از سمت جلو و عقب و راست و چپ محافظت نمایند.

و در ضمن حرکت برای انجام جهاد هر رزمنده ای هر حسنه ای را که انجام میدهد خداوند چند برابر ثواب به او عنایت میکند و برای هر روزی که در جهاد میگذراند خداوند ثواب عبادت هزار عابد را که هر یک هزار سال خداوند را عبادت کرده باشند برای او مینویسد و هنگامی که این رزمندگان وارد صحنه نبرد شده و در جبهه حضور یافته در برابر دشمن صف آرایی میکنند خداوند آنقدر برای آنان ثواب و پاداش مقدر میکند که مردم دنیا قدرت ارزیابی و پیم بردن بمقدار آنها ندارند و وقتی نیزه ها بسوی دشمن و همچنین تیرها بحرکت درمیآیند و رزمندگان اسلام با دشمنان درگیر میشوند فرشتگان محافظ بالهای خود را در اطراف آنها می گسترانند و از خداوند طلب می کنند تا این رزمندگان را یاری نموده و گامهایشان را در حین

نبرد استوار نماید و در این موقع منادی از جانب خدا بانگ برمیآورد که هم اکنون بهشت زیر سایه شمشیرها قرار دارد، در این حال ضرب نیزه و ضربت شمشیر اگر بر پیکر او وارد شود چنان لذت بخش است که از نوشیدن آب زلال و خنک در گرمای سوزان گوارتر است و هنگامی که بدن شهید از روی مرکب خود بواسطه ضرب نیزه یا ضربت شمشیر بزیر فرو می غلتد خداوند همسرش را که از حوریان بهشتی است بر بالینش می فرستد تا او را از کرامت و پاداشی که خدا برای او مقدر کرده است مطلع سازد و چون پیکر شهید بر روی خاک میافتد آن حوری بهشتی باو میگوید آفرین بر این روح پاک و آزاده که از کالبد پاکیزه بیرون آمده است و اضافه میکند که بشارت باد ترا به ثوابی که نه چشمی آفر دیده و نه گوشی آنرا شنیده و نه بر قلب صاحب بدلی خطور کرده است پس خدا میفرماید من جانشین و وکیل او در میان خانواده اش هستم و هر کس اعضای خانواده این شهید را خوشحال و راضی نگاهدارد مرا راضی و خشنود ساخته و هر کس آنها را به غضب بیاورد مرا خشمگین کرده است از این لحظه بعد آن شهید در بهشت مخصوص جای میگیرد و از نعمتها و ثمرات بهشتی بهره مند می گردد و روح عظمت یافته اش در پرتو تجلیات الهی مستغرق میشود.

سرانجام وقتی روز قیامت پدید میآید هر شهیدی در حالی که شمشیر و سلاح خود را در دست دارد سر از خاک برمیآورد و از رنگهای بدن او خون میجهد در حالی که رنگ، رنگ خون ولی بسوی، بسوی مشک است و او با این وضع بطرف عرصه محشر حرکت میکند.

قسم بخداوندی که جان من در قبضه قدرت او است حشر و حرکت شهید در آن هنگام چنان باشکوه است که پیامبران خدا هنگامی که این شهیدان را مشاهده می کنند و بر مرکب سوار میباشند در برابر شکوه و ایزت آنها برای تکریم و تعظیم آنها پیاده میشوند تا اینکه شهیدان از میان پیغمبران میگذرند و بر تخت های زرین می نشینند و هر شهیدی تا ۷۰ هزار تن از خانواده

و بستگان و همسایگان خود را شفاعت میکنند بطوری که همسایگان در آنموقع بخاطر اینکه ثابت کنند که کدامیک به او از دیگری نزدیکتر بوده است با هم مشاجره مینمایند.

و بالاخره فرمودند: در پایان تمامی شهدا در کنار حضرت ابراهیم خلیل (ع) بر خوان نعمت جاودانه بهشتی جای می گیرند و هر صبح و شام لطف و عنایت خاص خداوند را مورد نظر خود قرار میدهند.^۲

در پایان این مقاله باید توجه داشت که بر اساس روایات بسیاری که از اهل بیت علیهم السلام رسیده است مؤمنان کامل نیز از شیعیان روز قیامت میباشند و برای نمونه از آنهمه روایات بذکر ۴ روایت اکتفا میکنیم:

۱- حضرت صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمودند: «شعبتا من نور الله خلیفوا والیه یعوذون وانا لنشفع فنتفع ووالله انکم لتشفعون فنتفقون» یعنی شیعیان ما از نور خداوند آفریده شده و بسوی او باز میگردند و روز قیامت ما شفاعت میکنیم و خداوند متعال شفاعت ما را میپذیرد شما نیز شفاعت میکنید و خدا شفاعت شما را نیز میپذیرد.

۲- حضرت باقر علیه السلام فرمودند: «ان لرسول الله (ص) الشفاعة فی ائمته وانا شفاعه فی شعبتا وشیعنا شفاعه فی اهلهم وان المؤمن لتشفع فی مثل زبینه وفضل».

یعنی حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وآله) در باره ائمت خود شفاعت میکند و ما در باره شیعیان خود شفاعت مینمائیم و شیعیان ما نیز در باره خانواده های خود شفاعت میکنند و چه بسا یک نفر مؤمن در باره افراد بسیاری به تعداد افراد قبیله ربیع و مضر (نام دو قبیله از قبائل معروف عرب است) شفاعت میکند.

۳- حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «ما من الملت یت بدخل واحد یمنهم الجنة الا دخلوا اجمعین الجنة قبل وکیف ذلك؟ قال یتفق فیهم فیتفق حسی یتقی العادیم فیقولوا یا رب عوید منی قد کانت تقینی الحر والفر» بقیه در صفحه ۳۶

خدا و رضایت او نمی شناخت.

مجموعاً حضرت امام در برخورد با افراد مراتب طولی و عرضی آنان را به طور ثابت و دقیق مراعات می کردند و به طور کلی در مقام انجام وظیفه و کار بسیار جدی و قاطع بودند در جایگاه معاشرت با دوستان تا سرحد شوخی و مزاح و لطافتها و ظرافتهای ادیبانه پیش می رفتند و در خانه و جمع خانوادگی نمونه بهترین همسر، پدر و پدربزرگ دوست داشتنی بودند.

بارها و بارها شاهد احترام بیش از حد حضرت امام نسبت به آیه الله پسنیدیه بودیم آقای پسنیدیه به عنوان برادر بزرگتر امام، و استاد امام در دوران کودکی و نوجوانی در حد یک استاد و شبیه یک پدر مورد احترام امام قرار می گرفت در مجلس انس امام با برادر بزرگترشان به دور از مسائل سیاسی و رهبری جهان اسلام، احوالپرسی بود و تفحص از مشکلات احتمالی برادر و در این حال شنیدن مسائل عادی زندگی و چکه کردن شیر آب و خرابی دستشویی منزل ایشان برای امام کاملاً قابل تحمل بود.

امانتی که بعد از رحلت ...

در موارد زیادی اتفاق می افتاد که حضرت امام به مناسبت و حتی بی مناسبت و ابتداء به ساکنین از افرادی سراغ می گرفتند که با توجه به تراکم کارها و گرفتاریها و مسئولیتهای سنگین آنحضرت به ویژه در اوج بحرانهای و فشارهای روحی و ضعف جسمانی این سراغ گرفتنها و توجیعی غیرمنتظره و غیرعادی به خود می گرفت به ویژه اگر مورد فردی فراموش شده و مغفول عنه در سطح جامعه بود.

از باب نمونه، چندی قبل از رحلت جانکاه شان، یک روز سراغ یکی از شخصیتهای علمی حوزه علمیه قم را گرفتند که هر چند در سطح خواص از چهره های علمی و اخلاقی و معنوی بزرگ به شمار می رود ولی در سطح عموم ناشناخته و فراموش شده است. سپس دستور فرمودند برای ایشان مبلغی پول ارسال شود!

قرار شد حقیر در قم خدمت ایشان برسم و وجه را تقدیم کنیم. ماه رمضان و مشکل سفر برای قصد اقامت موجب تأخیر شد، بیماری امام شدت گرفت و به بیمارستان منتقل شدند و در پی آن به ملکوت اعلی پیوستند و باز هم توفیق رساندن امانت دست نداد برای صفر کردن حسابها

بقیه از شفاعت روز قیامت

و خداوند شفاعت او را میپذیرد حتی میگوید
پروردگارا خدمتگزار من نیز مرا از سرما و گرما
حفظ میگرد خداوند شفاعت او را در باره آن
خدمتگزار نیز میپذیرد.

یعنی یک نفر که از یک خانواده داخل بهشت
شود بقیه افراد آن خانواده نیز به بهشت داخل
میگردند در این حال از تفصیل این موضوع پرسیده
شد حضرتش فرمودند آن یک نفر مؤمن کامل که
وارد بهشت شده است در باره آنها شفاعت میکند

۴- حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «وان
الجار یشفع لجاره والخمیم لعیبه». یعنی: روز
قیامت همسایه برای همسایه اش و رفیق برای

و تحویل وجوه به مدیریت حوزه علمیه قم. بر حسب وصیت حضرت امام.
حواله مزبور را تبدیل به چک بانکی کردیم و بالاخره به قم مشرف شدم
ولی ایشان در قم نبود بار دوم و بار سوم تا بالاخره بعد از چندماه ایشان را
یافتیم. نخست تلفن زدیم گفتیم فلانی ام. به لحاظ لطف دیرینه ایشان به
حقیر و ارادتیم از سال ۴۲ به ایشان خوشحال شد. وقتی گفتیم امانتی از
امام برای شما دارم! انگار که احساس کرد اشتباه شنیده است متوجه
شدم ایشان مطلب را نگرفت، دوباره تکرار کردم که امانتی از امام برای
شما دارم و عذرخواهی کردم که تأخیر شده است با آن که ایشان زبانی
طلق و بیانی فصیح دارد با تکلف و لکنت گفت از امام؟ امام... چه
امانتی!... بغض گلویش را گرفت و گریه مجال سخن نداد. طبق قرار
با مقداری تأخیر به طرف خانه ایشان حرکت کردم وقتی رسیدم دیدم در
کوچه به انتظار ایستاده و نگران به خانه محقر ایشان وارد و در اطاقک
پذیرائی مستقر شدیم ساعت حدود ۳ بعد از ظهر بود و تابستان گرم قم و
پنکه دستی خراب و کوچک ایشان نمی توانست از گرمای سوزان هوا و
گرمی صمیمیت آن فضا بکاهد. او هنوز نتوانسته بود باور کند که من از
طرف امام نزدشان رفته ام هنوز باور نکرده بود که بعد از سه ماه از رحلت
امام باید امانتی از امام به دستش برسد و هنوز نمی دانست امانت چیست.
گریه جای احوالپرسی را گرفته بود. بهتر تریبی بود شکسته بسته ماجرا را
تعریف کردم و او به شدت می گریست احساس کردم این گریه
غیرعادی است و باید نکته خاصی هم در آن باشد، ایشان کم کم توانست
صحبت کند. معلوم شد که ایشان بیمار است و تابستان را در مشهد بوده و
نازه از گرد راه رسیده است. از این که امام بدون این که ظاهراً دلیلی
داشته باشد به فکر ایشان افتاده است، شدیداً تحت تأثیر قرار گرفته و داغ
دلش در فقدان امام تازه شده بود. لطف امام یک طرف قضیه بود و این
که دستور داده بودند فلان مبلغ برای ایشان ارسال شود و تأخیر آن تا بعد از
رحلت و نبودن ایشان در قم و بالاخره وصول امانت در آن روز که اواخر ماه
بود و در آن ساعت طرف دیگر قضیه بود بگونه ای ظریف معلوم شد که در
آن لحظه ایشان هیچ پولی برای مخارج زندگی نداشتند به تعبیر روشن تر
در آن روز نان شب را نداشتند و گویی دستور امام همراه با زنجیره علی
و اسباب بعدی آن روز و آن لحظه را و تأمین نیاز این مرد الهی را هدف
قرار داده بود و گویی هیچ چیز اتفاقی نبوده و این مشیت الهی بوده که
بوسیله بنده شایسته اش به کرمی عمل نشده است.

رفیقش شفاعت می کند.

ادامه دارد

- ۱- ج ۱۱ و سائل ص ۶.
- ۲- از کلمات قصار نهج البلاغه شماره ۲۴۴.
- ۳- ج ۱۱ و سائل ص ۵.
- ۴- ج ۱۱ و سائل ص ۸.
- ۵- بحار الأنوار ج ۸ ص ۳۴.
- ۶- بحار الأنوار ج ۹۷ ص ۱۲.
- ۷- بحار الأنوار ج ۸ ص ۳۷.
- ۸- بحار الأنوار ج ۸ ص ۳۸.
- ۹- بحار الأنوار ج ۸ ص ۵۶.
- ۱۰- بحار الأنوار ج ۸ ص ۵۴.